

گردش مؤسسات حسابرسی و کیفیت اطلاعات حسابداری

دکتر سید حسین علوی طبری - دانشیار گروه حسابداری دانشگاه الزهراء (س)

اعظم ولی زاده لاریجانی - دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه الزهراء (س)

حمیده اثنی عشری - دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه الزهراء (س)

چکیده

هدف این تحقیق بررسی رابطه طول دوره همکاری حسابرس با صاحبکار و کیفیت اطلاعات حسابداری می باشد. در این راستا از متغیر تعداد گردش حسابرس به منظور سنجش طول دوره همکاری حسابرس و از متغیر محافظه کاری به منظور سنجش کیفیت اطلاعات حسابداری استفاده گردید. محافظه کاری نتیجه رسیدگی حسابرسان و نشان دهنده استقلال واقعی آنها می باشد. یکی دیگر از ابعاد استقلال حسابرسان، استقلال ظاهری است که ناشی از اعتماد سرمایه گذاران فعال در بازار نسبت به آنها می باشد. در این تحقیق، به منظور سنجش استقلال ظاهری حسابرسان، از متغیر محتوای اطلاعاتی سود خالص استفاده شد.

سه مدل باسو ۱۹۹۷، بال و شیواکومار ۲۰۰۵ و بال و کوتاری و رایین ۲۰۰۱، جهت تعیین سطح محافظه کاری به کار گرفته شده در شرکتها مورد استفاده قرار گرفتند. برای آزمون فرضیه های پژوهش، ۱۳۱ شرکت از شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بین سال های ۱۳۸۸-۱۳۸۰ مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج حاصل از آزمون مدل بال، کوتاری و رایین حکایت از آن داشت که افزایش طول دوره همکاری حسابرس با صاحبکار منجر به افزایش محافظه کاری در صورت های مالی می گردد. آزمون مدل استون و هریس نیز نشان دهنده بیشتر بودن محتوای اطلاعاتی سود خالص در شرکت های با گردش حسابرس بالا بود.

واژه‌های کلیدی: تعداد گردش حسابرس، استقلال واقعی حسابرس، استقلال ظاهری حسابرس، محافظه کاری، کیفیت اطلاعات حسابداری.

مقدمه

طی چند سال اخیر، حسابرسان به علت نقشی که در رسوایی‌های شرکت‌های بزرگی چون انرون و وردکام ایفا نموده‌اند، مورد سرزنش قرار گرفته و در این بین، استقلال بعنوان عاملی مهم در تعیین کیفیت حسابرسی، بیش از سایر عوامل توجه منتقدین را به خود جلب نموده است. یکی از دلایل خدشه دار گردیدن استقلال حسابرسان، وجود رابطه طولانی مدت بین آن‌ها و صاحبکاران است که نگرانی ماتر و شرف بیش از ۴۰ سال قبل، در زمینه افزایش تدریجی سطح روابط رفاقتی در اثر ارتباطات طولانی مدت بین حسابرس و صاحبکار، نیز نشان از اهمیت موضوع از سالیان دور دارد [۲]. تصویب دستورالعمل مؤسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار (ماده ۱۰ تبصره ۲) توسط شورای عالی بورس در تاریخ ۸۶/۰۵/۰۸ مبنی بر این که مؤسسات حسابرسی و شرکای مسئول کار حسابرسی هر یک از اشخاص حقوقی (تعریف شده در ماده ۱۰ دستورالعمل فوق‌الذکر) مجاز نیستند بعد از گذشت ۴ سال، مجدداً سمت حسابرس مستقل و بازرس قانونی شرکت مذکور را بپذیرند و حتی در صورت خروج شرکا از مؤسسه قبلی، شریک مسئول کار در دوره ۴ سال قبل، نمی‌تواند با حضور به عنوان شریک در مؤسسه حسابرسی دیگر سمت مزبور را قبول کند [۱]، نیز حاکی از نگرانی نهادهای حرفه‌ای و قانونی نسبت به مسئله فوق‌الذکر می‌باشد. لذا هدف از انجام این تحقیق بررسی این است که آیا با افزایش طول مدت همکاری مؤسسات حسابرسی با شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، استقلال آن‌ها خدشه دار و کیفیت اطلاعات حسابداری کاهش می‌یابد و آیا بازار بر این اعتقاد می‌باشد که با کاهش دوره گردش حسابرسی، استقلال حسابرس و بالطبع کیفیت اطلاعات حسابداری افزایش می‌یابد یا خیر.

مبانی نظری تحقیق

اهمیت مفهوم استقلال در حسابرسی مستقل، به حدی است که برای اثبات آن به عنوان یکی از فرضیات بدیهی تئوری حسابرسی توجیه اندکی لازم است. نظر حسابرس برای گواهی و اعتبار بخشی به صورت‌های مالی که توسط مدیریت صاحبکار تهیه شده، ارائه می‌گردد و اگر حسابرس، مستقل از مدیریت صاحبکار نباشد، نظرش چیزی به اعتبار صورت‌های مالی نمی‌افزاید. استنباط بر آن است که حسابرسی مستقل مبنای معقولی برای یک ارزیابی صادقانه از کیفیت اطلاعات مندرج در صورت‌های مالی فراهم می‌آورد. حسابرس از سوی ذینفعان و سهامداران بر فعالیت‌های حسابداران مدیریت صاحبکار نظارت می‌کند و میزان احتمال کشف موارد غیرعادی حسابداری ایجاد شده توسط مدیریت به شایستگی و استقلال حسابرس بستگی دارد. [۲] والاس در سال ۱۹۸۰ کیفیت حسابرسی را در قالب توانایی حسابرس مستقل در کاهش اختلالات (نویز) اطلاعات منعکس در صورت‌های مالی و افزایش دقت این اطلاعات تعریف نمود. لی و همکارانش در سال ۱۹۹۹ کیفیت حسابرسی را احتمال عدم ارائه اظهارنظر مقبول برای آن دسته از صورت‌های مالی که دارای تحریفات یا اشتباهات با اهمیت می‌باشند، تعریف نمود. انجمن حسابداران امریکا در بیانیه مفاهیم بنیادی حسابرسی منتشره در سال ۱۹۷۳، کیفیت حسابرسی را توانایی حسابرس در اعمال کنترل بر کیفیت اطلاعات حاصل از فرایند تطبیق صورت‌های مالی با اصول پذیرفته شده حسابداری، تعریف نمود. [۱۴] از سوی دیگر محققان مختلفی عنوان نموده‌اند که رعایت محافظه‌کاری منجر به افزایش کیفیت اطلاعات حسابداری می‌شود. [۱۱] محافظه‌کاری نشان‌دهنده عدم تقارن شناختی در برخورد با درآمدها (سودها) یا هزینه‌ها (زیانها)ی تحقق نیافته می‌باشد. محافظه‌کاری مکانیزمی جهت افزایش کارایی قراردادهای منعقد شده بین شرکت و سایر اشخاص ثالث (از جمله سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان، کارکنان و ...) بوده و بدین ترتیب هزینه‌های نمایندگی شرکت را کاهش می‌دهد [۳]. بال و شیوا کومار در سال ۲۰۰۶ بیان نمودند که محافظه‌کاری با ارتقاء کیفیت سود خالص میزان مربوط بودن آن را در اتخاذ تصمیمات استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی بالاخص سرمایه‌گذاران افزایش می‌دهد [۵]. شناسایی به موقع اخبار بد در سود خالص نسبت به حسابداری غیرمحافظه‌کارانه نقش مهم‌تری را در کیفیت اطلاعات

حسابداری ایفا می‌کند. حسابرسان مستقل نقش بسزایی در افزایش کیفیت سود خالص دارند. [۱۵]

از آنجا که آنان در برابر سرمایه‌گذاران دارای مسئولیت تضامنی می‌باشند، لذا تمایل دارند از طریق شناسایی به موقع هزینه‌ها (زیان‌ها) و ارائه یک سود خالص نامتقارن به موقع، مسئولیت تضامنی خود را کاهش دهند. به همین علت انتظار منطقی بر آن است که با افزایش کیفیت حسابرس و بالطبع کیفیت حسابداری، محافظه‌کاری به عنوان یکی از ویژگی‌های کیفی اطلاعات افزایش یابد. [۱۴]

لذا عواملی که می‌توانند کیفیت حسابرسی را تحت تأثیر قرار دهند، می‌توانند بر میزان محافظه‌کاری بکار گرفته شده در تهیه صورت‌های مالی نیز تأثیرگذار باشند.

دوره گردش حسابرس و استقلال حسابرس

نظرات راجع به تأثیر طول دوره همکاری حسابرس با صاحبکار بر استقلال واقعی آنان متفاوت است. عده‌ای اعتقاد دارند افزایش طول دوره همکاری حسابرس با صاحبکار منجر به ارتقاء سطح مهارت او در صنعت مورد بررسی و افزایش کیفیت حسابرسی و بالطبع کیفیت اطلاعات مندرج در صورت‌های مالی می‌گردد. عده‌ای دیگر نیز بر این عقیده می‌باشند که تعویض حسابرس منجر به تزریق عوامل نظارتی جدید در شرکت شده و لذا دیدگاه‌های نظارتی حاکم بر شرکت تغییر کرده و احتمال کشف موارد غیرعادی افزایش می‌یابد. همچنین با افزایش مهارت حسابرسان در صنعت مورد بررسی، این انگیزه در آنان ایجاد می‌گردد که به هر طریقی مشتریان خود در صنعت را حفظ نموده و این امر بر استقلال آنان تأثیر منفی دارد. در عین حال، استمرار همکاری حسابرس با صاحبکار، این تمایل را در حسابرس ایجاد می‌نماید که بر کاربرگ‌های تهیه شده در رسیدگی‌های قبلی اتکای بیشتری نموده و لذا احتمال برآورد نادرست ریسک حسابرسی و کاهش حجم رسیدگی‌ها در سال جاری افزایش می‌یابد. تأثیر افزایش طول دوره حسابرسی بر استقلال ظاهری حسابرس وابسته به نگرش جامعه می‌باشد. اگر جامعه معتقد به آن باشد که با افزایش طول دوره همکاری، تخصص حسابرس افزایش و کیفیت اطلاعات مندرج در صورت‌های مالی ارتقاء می‌یابد، در هنگام انتشار صورت‌های مالی در اتخاذ تصمیمات خود اتکای بیشتری به آنان می‌نمایند و بالعکس. [۱۳]

مروری بر پیشینه تحقیقات

تحقیقاتی که در زمینه تأثیر طول دوره همکاری حسابرس با صاحبکار بر روی استقلال او انجام گردیده‌اند به دو گروه تقسیم می‌شوند. گروه اول تحقیقاتی هستند که نشان می‌دهند با افزایش طول دوره همکاری حسابرس مستقل، استقلال او آسیب می‌بیند و گروه دوم تحقیقاتی هستند که نشان می‌دهند با افزایش طول دوره همکاری حسابرس استقلال او خدشه‌دار نمی‌گردد. [۱۳]

در گروه اول تحقیقات فوق، همواره این نگرانی وجود دارد که رابطه بلندمدت بین حسابرس و صاحبکار منجر به افزایش سطح روابط رفاقتی بین آن‌ها شده و در نهایت منجر به کاهش استقلال و کیفیت حسابرسی می‌گردد. بنابراین دیدگاه، گردش اجباری حسابرس، فضای مناسب‌تری را بین حسابرسان و صاحبکاران آن‌ها برای دستیابی به اهداف حسابرسی فراهم می‌کند. به عنوان مثال داپوچ در سال ۲۰۰۱ به بررسی اثر گردش اجباری حسابرس بر استقلال او پرداخت. نتایج نشان داد که گردش اجباری حسابرس موجب افزایش استقلال او می‌شود. مطابق با بررسی انجام شده توسط اداره پاسخگویی دولت امریکا در سال ۲۰۰۳، گردش اجباری مؤسسات حسابرسی علیرغم افزایش هزینه شناخت بنیادی و کلی از شرکت می‌تواند مؤثرترین راه برای افزایش استقلال و کیفیت حسابرسی تلقی گردد. جانسون و همکارانش در سال ۲۰۰۲، چانگ در سال ۲۰۰۴ و کیم و یای در سال ۲۰۰۶، دریافتند که گردش حسابرس رابطه مثبتی با کیفیت سودهای خالص دارد و لذا آن را به عنوان نشانه‌ای از بهبود استقلال حسابرس تعبیر نمودند. گل و همکارانش در سال ۲۰۰۹ نیز رابطه مثبتی بین گردش حسابرس و کیفیت حسابرسی یافته و برای مشاهده چنین نتایج دلایلی ارائه نمودند از جمله آنکه سطح پایین شناخت حسابرس نسبت به صاحبکار منجر به افزایش ریسک حسابرسی و ارائه خدمات حسابرسی با کیفیت‌تر می‌گردد.

تعداد دیگری از تحقیقات نیز حاکی از آن بودند که رابطه طولانی مدت بین حسابرس و صاحبکار تهدیدی برای استقلال او به شمار نمی‌آید. در این خصوص می‌توان به تحقیق مایرز در سال ۲۰۰۳، گاش و مون در سال ۲۰۰۵، استنلی و دی زورت در سال ۲۰۰۷ اشاره کرد. آن‌ها اذعان داشتند که کیفیت گزارشگری مالی و کیفیت حسابرسی با افزایش مدت رابطه حسابرس و صاحبکار افزایش می‌یابد. کالاپور، مایرز و همکارانش در سال ۲۰۰۳ دریافتند بین مدت تصدی

حسابرس و ایجاد اقلام تعهدی غیرعادی در صورت‌های مالی شرکت‌ها، رابطه منفی وجود دارد. همچنین نتایج تحقیق دویس و همکاران در سال ۲۰۰۹ حاکی از آن است که بین شرکت‌هایی که دوره گردش طولانی برای حسابرسان خود در نظر می‌گیرند و شرکت‌هایی که دوره‌های کوتاه‌تر در نظر می‌گیرند در استفاده از سطوح تعهدات اختیاری برای دستیابی به سودهای پیش‌بینی شده تفاوتی وجود ندارد. به عبارت دیگر کیفیت سود حسابداری این دو گروه تفاوتی با یکدیگر ندارد. علاوه بر این، حساس یگانه و جعفری در سال ۱۳۸۸ به بررسی اثر چرخش مؤسسات حسابرسی بر کیفیت حسابرسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران پرداختند. از دیدگاه آنان منظور از چرخش مؤسسات حسابرسی، جابجایی و تعویض حسابرسان در دوره‌های زمانی حداکثر چهار ساله و کیفیت حسابرسی نیز حاصل جمع شایستگی (توانایی کشف اشتباهات) و استقلال حسابرسان (انگیزه گزارش موارد کشف شده) می‌باشد. نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد که چرخش مؤسسات حسابرسی موجب افزایش کیفیت حسابرسی نمی‌شود. [۱۶]

با توجه به نتایج بالا، تحقیقات در زمینه ارتباط بین دوره گردش حسابرس و درجه محافظه کاری گزارش‌های مالی نیز نتایج متفاوتی را نشان می‌دهند. برخی تحقیقات نشان دهنده عدم وجود ارتباط یا وجود ارتباط مثبت بین این دو متغیر می‌باشند و برخی دیگر بر ارتباط منفی بین این دو تأکید دارند. از جمله جنکینز و ولوری در سال ۲۰۰۸ دریافتند که با افزایش طول مدت ارتباط حسابرس با صاحبکار، درجه محافظه کاری سودهای خالص افزایش می‌یابد و لذا نتیجه‌گیری نمودند که گردش اجباری حسابرسان می‌تواند اثرات منفی بر روی درجه محافظه کاری سود گزارش شده، بگذارد. دانستن و کامارودن و زایل در سال ۲۰۱۰ در تحقیقی که در مالزی انجام دادند دریافتند با افزایش طول دوره همکاری مؤسسات حسابرسی با صاحبکاران، درجه محافظه کاری به کار گرفته شده در سود خالص افزایش می‌یابد و این پدیده را به پایین بودن خطر دعاوی حقوقی و بالا بودن نظارت دولتی یا خانوادگی بر اکثر شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار این کشور نسبت دادند. در عین حال دان لی در سال ۲۰۰۷ بین دوره تصدی حسابرس و درجه محافظه کارانه بودن سود خالص ارتباط منفی را یافت. [۱۴]

روش تحقیق :

این پژوهش، از بعد روش، همبستگی و از بعد هدف کاربردی و از بعد نوع اکتشافی می‌باشد. قلمرو زمانی تحقیق از سال ۱۳۸۰ تا سال ۱۳۸۸ تعیین شده است. داده‌های مورد نیاز در تحقیق به کمک بانک‌های داده‌ای موجود گردآوری شده و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها با استفاده از نرم افزارهای اکسل و SPSS صورت پذیرفته است.

جامعه و نمونه آماری :

جامعه آماری این پژوهش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشند. نمونه‌گیری با استفاده از روش غیر احتمالی هدف‌دار (روش حذفی) صورت پذیرفته است. شرایط مورد نظر برای احتساب شرکت‌ها در نمونه مورد بررسی در پژوهش به شرح ذیل می‌باشد:

- تا قبل از سال ۱۳۸۰ در بورس پذیرفته شده باشند.
- سال مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفند باشد.
- طی دوره مورد بررسی سال مالی خود را تغییر نداده باشند.
- سهام آنها طی دوره پژوهش مورد معامله قرار گرفته و دارای فعالیت مستمر باشند.
- شرکت سرمایه‌گذاری نباشند.
- اطلاعات مورد نیاز جهت محاسبه متغیرهای مورد بررسی موجود باشد.

با توجه به شرایط ذکر شده در بالا، تعداد ۱۳۱ شرکت در دوره زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸، حائز شرایط بوده و بعنوان نمونه آماری در این پژوهش انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند.

نحوه جمع آوری داده‌ها

بخش عمده‌ای از داده‌ها از نرم افزار تدبیر پرداز استخراج گردید. بخشی از داده‌ها که از طریق این نرم افزار قابل استخراج نبود از صورت‌های مالی شرکت‌ها از طریق سایت اینترنتی www.rdis.com متعلق به مرکز مدیریت پژوهش و مطالعات اسلامی سازمان بورس اوراق بهادار تهران و همچنین بانک‌های اطلاعات این سازمان استخراج گردید.

فرضیه‌های تحقیق

اعمال محافظه‌کاری مستلزم به کارگیری قابلیت رسیدگی نامتقارن در شناسایی سودها (اخبار خوب) نسبت به زیانها (اخبار بد) است. به علت تضاد منافع بین مدیران و سرمایه‌گذاران، قصور حسابرس منجر به گزارش اطلاعات حسابداری جسورانه توسط مدیران می‌گردد. در این پژوهش، براساس اهداف، اهمیت پژوهش و مبانی نظری آن که در صفحات قبل به آن اشاره شد، دو فرضیه به شرح ذیل تدوین گردید:

فرضیه اول: افزایش تعداد گردش حسابرس، محافظه‌کاری سودهای خالص را افزایش می‌دهد.

فرضیه دوم: افزایش تعداد گردش حسابرس، محتوای اطلاعاتی سودهای خالص را افزایش می‌دهد.

روش آزمون فرضیه‌ها

به منظور آزمون فرضیه‌ها از مدل‌های به کار گرفته شده در تحقیقات صورت پذیرفته در این زمینه، جهت اندازه‌گیری محافظه‌کاری و محتوای اطلاعاتی سودهای خالص استفاده می‌نماییم.

۱. اندازه‌گیری محافظه‌کاری: بدین منظور از سه مدل به شرح ذیل بهره می‌گیریم.

مدل اول، مدل باسو در سال ۱۹۹۷ می‌باشد. بر این اساس، محافظه‌کاری از طریق تفاوت در

سرعت شناسایی اخبار بد در مقابل اخبار خوب توسط سودهای خالص تعریف می‌شود. [۷]

$$\frac{EPS_{it}}{P_{i,t-1}} = \beta_0 + \beta_1 DT_{it} + \beta_2 DAT + \beta_3 Ret_{it} + \beta_4 Ret_{it} DT_{it} + \beta_5 Ret_{it} DAT + \beta_6 Ret_{it} DT_{it} DAT + \varepsilon_{it}$$

مدل شماره (۱)

EPS_{it} = سود هر سهم برای شرکت i در سال t

$P_{i,t-1}$ = قیمت سهام شرکت i در پایان سال $t-1$

DT_{it} = اگر بازده شرکت i در سال t منفی باشد یک و در غیر این صورت صفر

Ret_{it} = بازده شرکت i منتهی به تیرماه سال t

$DAT =$ اگر تعداد گردش حسابرس طی دوره مورد بررسی در این پژوهش دو یا بیشتر باشد یک و در صورتی که حسابرس گردش نداشته باشد صفر

در صورتی که با افزایش تعداد گردش حسابرس (کاهش طول دوره همکاری حسابرس با صاحبکار)، محافظه کاری سود های خالص افزایش یابد، آنگاه می بایست ضریب β_6 مثبت باشد. اندازه این ضریب نشان دهنده میزان محافظه کاری سودهای خالص می باشد. هر چه این ضریب بزرگتر باشد، سطح محافظه کاری منعکس در سود خالص بیشتر است و بالعکس [۱۴]. مدل دوم، مدل بال و شیواکومار در سال ۲۰۰۵ می باشد. آن ها از مدل ساده ارقام تعهدی و جریان های نقد دیچو، کوتاری و واتز (۱۹۹۸) به منظور برجسته نمودن نقش ارقام تعهدی در شناخت به موقع زیان ها استفاده نمودند. در صورت محافظه کارانه بودن سودهای خالص، انتظار بر آن است که جریان های نقدی منفی با کاهش در ارقام تعهدی همراه باشد. [۴]

مدل شماره (۲)

$$ACC_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 DCFO_{it} + \alpha_2 DAT + \alpha_3 CFO_{it} + \alpha_4 DCFO_{it} * CFO_{it} + \alpha_5 CFO_{it} DAT + \alpha_6 CFO_{it} DAT + \varepsilon_{it}$$

در صورتی که با افزایش تعداد گردش حسابرس (کاهش طول دوره همکاری حسابرس با صاحبکار)، محافظه کاری سودهای خالص افزایش یابد، آنگاه می بایست ضریب α_6 مثبت باشد. اندازه این ضریب نشان دهنده میزان محافظه کاری می باشد. هر چه این ضریب بزرگتر باشد، سطح محافظه کاری منعکس در سود خالص بیشتر است و بالعکس. [۱۴]

$$ACC_{it} = \text{ارقام تعهدی شرکت } i \text{ در سال } t$$

$$DCFO_{it} = \text{اگر جریان های نقدی عملیاتی شرکت } i \text{ در سال } t \text{ منفی باشد یک و در غیر این صورت صفر}$$

$$CFO_{it} = \text{جریان های نقدی عملیاتی شرکت } i \text{ در سال } t^1$$

¹ همه متغیرهای مدل فوق (به استثنای متغیر مجازی) به رقم جمع دارایی های شرکت i در سال $t-1$ تقسیم شده و بدین ترتیب مقیاس زدایی گردیده است.

$DAT =$ اگر تعداد گردش حسابرس طی دوره مورد بررسی در این پژوهش دو یا بیشتر باشد یک و در صورتی که حسابرس گردش نداشته باشد صفر

مدل سوم مدل بال، کوتاری و رایین در سال ۲۰۰۰ می باشد. در این مدل، وجود رابطه معکوس بین تغییرات سود در دو دوره متوالی دال بر محافظه کاری است. علت این امر آن است که اخبار بد شناسایی شده در دوره جاری از تداوم کمتری نسبت به اخبار خوب شناسایی شده برخوردار بوده و لذا انتظار بر آن است که اثرات آن در دوره بعد معکوس گردد. [۶] در صورتی که با افزایش تعداد گردش حسابرس (کاهش طول دوره همکاری حسابرس با صاحبکار)، محافظه کاری سودهای خالص افزایش یابد، آن گاه می بایست ضریب α_4 منفی باشد. قدرمطلق این ضریب نشان دهنده میزان محافظه کاری سودهای خالص می باشد. هر چه این ضریب بزرگتر باشد، سطح محافظه کاری منعکس در سود خالص بیشتر است و بالعکس. [۱۴] مدل شماره (۳)

$$\Delta OI_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 D\Delta OI_{it-1} + \alpha_2 DAT + \alpha_3 \Delta OI_{it-1} + \alpha_4 \Delta OI_{it-1} * D\Delta OI_{it-1} + \alpha_4 \Delta OI_{it-1} * D\Delta OI_{it-1} * DAT + \varepsilon_{it}$$

ΔOI_{it} = تغییرات سود عملیاتی شرکت i در سال t نسبت به سال $t-1$

ΔOI_{it-1} = تغییرات سود عملیاتی شرکت i در سال $t-1$ نسبت به سال $t-2$

$D\Delta OI_{it-1}$ = اگر تغییرات سود شرکت i در سال $t-1$ نسبت به سال $t-2$ منفی باشد یک و در غیر این صورت صفر

$DAT =$ اگر تعداد گردش حسابرس طی دوره مورد بررسی در این پژوهش دو یا بیشتر باشد یک و در صورتی که حسابرس گردش نداشته باشد صفر

۲. اندازه گیری محتوای اطلاعاتی سودهای خالص: یکی از روش های آزمون محتوای اطلاعاتی سودهای خالص استفاده از مدل السون و فلتام در سال ۱۹۹۵ می باشد. این مدل ارزش بازار شرکت را به ارزش دفتری سرمایه و سودهای خالص مرتبط می سازد: [۹]

$$P_{it} = \beta_0 + \beta_1 BV_{it} + \beta_2 EPS_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل شماره (۴)}$$

^۱ همه متغیرهای مدل فوق (به استثنای متغیر مجازی) به قیمت ابتدای دوره سهم شرکت i سال t تقسیم شده و بدین ترتیب مقیاس زدایی گردیده است.

P_{it} = قیمت سهام شرکت i در تیرماه سال t

BV_{it} = ارزش دفتری هر سهم شرکت i در سال t

EPS_{it} = سود هر سهم شرکت i در سال t

استون و هریس در سال ۱۹۹۱ مدلی را با فرض مزاد تمیز توسعه دادند که معادل مدل بالا می باشد. در این پژوهش به منظور اجتناب از مشکلات موجود در رگرسیون های مبتنی بر سطح از آن استفاده می نماییم. [۸]

$$Ret_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 \frac{EPS_{it}}{P_{it-1}} + \alpha_2 \frac{\Delta EPS_{it}}{P_{it-1}} + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل شماره (۵)}$$

Ret_{it} = بازده شرکت i منتهی به تیرماه سال t

EPS_{it} = سود هر سهم شرکت i در سال t

P_{it-1} = قیمت سهام شرکت i در ابتدای سال t

ΔEPS_{it} = تغییرات سود هر سهم شرکت i در سال t نسبت به سال $t-1$

استون و هریس بیان می کنند که در این مدل ضریب α_1 معادل ضریب β_1 و ضریب α_2 معادل ضریب β_2 در مدل السون و فلتام می باشد. استون در سال ۱۹۹۹ بیان می کند در صورتی که محقق بخواهد رابطه همزمان متغیرهای حسابداری و تغییرات ارزش بازار را مورد بررسی قرار دهد، آنگاه مدل مورد استفاده او باید مبتنی بر بازده باشد.

در این پژوهش شرکت ها بر اساس تعداد گردش حسابرس به سه طبقه تقسیم شدند. $\frac{1}{3}$ بالای طیف به عنوان شرکت های با تعداد گردش بالا، $\frac{1}{3}$ پایین طیف به عنوان شرکت های با تعداد گردش پایین و مابقی به عنوان شرکت های با تعداد گردش متوسط در نظر گرفته شدند. بر این اساس شرکت هایی که طی دوره مورد بررسی دو بار یا بیشتر دارای گردش حسابرس بوده اند در گروه اول و شرکت هایی که طی دوره مورد بررسی، حسابرس خود را تغییر نداده بودند در گروه دوم قرار

گرفتند. سپس مدل‌های شماره ۱ تا ۳ در سطح گروه‌ها مورد آزمون قرار گرفت. در عین حال برای بررسی محتوای اطلاعاتی این دو گروه از شرکت‌ها، مدل شماره ۵ نیز در سطح گروه‌ها مورد آزمون قرار گرفت. [۱۴]

نگاره شماره (۱): مقایسه محافظه‌کاری در شرکت‌های با گردش حسابرس بالا و پایین

مدل باسو							
DTit.DAT..Retit	DAT.Ret _{it}	DT _{it} .DAT	DAT	DT _{it} .Ret _{it}	DT _{it}	Ret _{it}	شرح
۰,۰۵	-۰,۰۱	۰,۰۵	-۰,۱۸	-۰,۰۶	-۰,۰۵	۰,۱	ضرایب
۰,۳	۰,۸	۰,۴	۰,۰۰	۰,۲	۰,۳	۰,۲	سطح معناداری ضرایب
۴,۷۶							آماره F
۰,۰۰							سطح معناداری آماره F
۰,۰۴							ضریب تعیین تعدیل شده
۱,۹۲							آماره دوربین واتسون
مدل بال و شیواکومار							
DAT.CFOit.DAT	DAT.CFOit	DCFOit.CFOit	CFOit	DCFOit.DAT	DAT	DCFOit	شرح
۰,۰۰۷	-۰,۰۷	-۰,۱۸	-۰,۱۵	-۰,۰۹	-۰,۰۳	۰,۱۶	ضرایب
۰,۹	۰,۲	۰,۰۲	۰,۰۱	۰,۲	۰,۵	۰,۰۳	سطح معناداری ضرایب
۲۱,۵۶							آماره F
۰,۰۰							سطح معناداری آماره F

۰,۱۵							ضریب تعیین تعدیل شده
۱,۵۸							آماره دورین واتسون
مدل بال، کوتاری و رایین							
$\frac{D\Delta OI_{it-1}}{\Delta OI_{it}.DAT}$	$\Delta OI_{it}.DAT$	$\Delta OI_{it}.D\Delta OI_{it-1}$	$DAT.D\Delta OI_{it-1}$	DAT	$D\Delta OI_{it-1}$	ΔOI_{it}	
۰,۱۸	-۰,۰۱	-۰,۱۸	۰,۰۳	-۰,۰۴	-۰,۱۱	-۰,۰۷	ضرایب
۰,۰۴	۰,۸۸	۰,۰۲	۰,۰۶	۰,۰۴	۰,۰۱	۰,۰۲	سطح معناداری ضرایب
۲,۰۳							آماره F
۰,۰۴							سطح معناداری آماره F
۰,۰۲							ضریب تعیین تعدیل شده
۱,۹۶							آماره دورین واتسون

آزمون فرضیه‌ها و یافته‌های پژوهش

۱. آزمون فرضیه اول:

پس از تفکیک شرکتها به دو گروه با گردش حسابرس بالا و پایین، به آزمون مدل‌های شماره ۱ تا ۳ پرداختیم. نتایج هر یک از مدل‌ها در نگاره شماره (۱) به شرح ذیل ارائه گردیده است.

براساس مطالب بیان شده قبلی، انتظار بر آن است در صورتی که افزایش تعداد گردش حسابرس منجر به افزایش استقلال او گردد، میزان محافظه‌کاری به کار گرفته شده در صورتهای مالی افزایش یابد. بنابراین، انتظار بر آن است که ضریب β_6 در مدل اول و ضریب α_6 در مدل دوم رابطه مثبت و معنادار و ضریب α_4 در مدل سوم رابطه منفی و معنادار با متغیر وابسته داشته باشند. همانگونه که

مشاهده می‌شود نتایج حاصل از آزمون مدل‌های ۱ و ۲ حکایت از آن دارد که بین تعداد گردش حسابرس و محافظه‌کاری به کار گرفته شده در تهیه صورتهای مالی رابطه معناداری وجود ندارد. این در حالی است که نتایج حاصل از آزمون مدل ۳ نشان دهنده وجود رابطه معنادار مثبت بین تعداد گردش حسابرس و تعداد تغییر علامت تغییرات سودهای خالص طی سال‌های متوالی است. بنابراین، با افزایش تعداد گردش حسابرس، تعداد تغییر جهت تغییرات سود خالص کاهش می‌یابد. بر مبنای این نتایج می‌توان بیان کرد که افزایش طول دوره همکاری حسابرس منجر به افزایش استقلال حسابرس و بالطبع محافظه‌کاری به کار گرفته شده در صورتهای مالی می‌گردد.

نگاره شماره (۲): مقایسه محتوای اطلاعات سود خالص در شرکت‌های با گردش حسابرس بالا و پایین

شرکت‌های با گردش حسابرس بالا		
$\frac{\Delta EPS_{it}}{P_{it-1}}$	$\frac{EPS_{it}}{P_{it-1}}$	شرح
۰,۱۵	۰,۱۹	ضرایب
۰,۱	۰,۲	سطح معناداری ضرایب
۱۱,۰۲		آماره F
۰,۰۰		سطح معناداری آماره F
۰,۱		ضریب تعیین تعدیل شده
۱,۸۴		آماره دوربین واتسون
شرکت‌های با گردش حسابرس پایین		
$\frac{\Delta EPS_{it}}{P_{it-1}}$	$\frac{EPS_{it}}{P_{it-1}}$	شرح

ضرایب	۰,۳۳	-۰,۱
سطح معناداری ضرایب	۰,۰۰	۰,۲
آماره F	۱۳,۰۶۹	
سطح معناداری آماره F	۰,۰۰	
ضریب تعیین تعدیل شده	۰,۰۶	
آماره دوربین واتسون	۱,۸۲	

۲. آزمون فرضیه دوم: در این فرضیه به دنبال آن هستیم که نگرش استفاده کنندگان را نسبت به تأثیر تعداد دوره گردش حسابرس بر استقلال او و بالطبع بر محتوای اطلاعاتی سود خالص مورد آزمون قرار دهیم. اگر استفاده کننده بر این اعتقاد باشد که افزایش تعداد گردش حسابرس منجر به افزایش استقلال او خواهد شد، آن گاه به منظور تعیین ارزش شرکت، بر متغیر سود خالص به عنوان یکی از متغیرهای ورودی مدل CAPM اتکای بیشتری نموده و بنابراین توان سود خالص در توضیح متغیر بازده افزایش می‌یابد. بالعکس، در صورتی که افزایش تعداد گردش حسابرس استقلال ظاهری او را خدشه دار کند، آن گاه سرمایه گذار به منظور تعیین ارزش شرکت اتکای کمتری به سود خالص نموده و بدین ترتیب توان توضیح دهندگی رفتار بازده توسط سود خالص کاهش می‌یابد. بنابر همین دلیل می‌باشد که در این تحقیق از مدل استون و هریس به منظور آزمون محتوای اطلاعاتی سودهای خالص در شرکت‌های با گردش حسابرس بالا و پایین استفاده شده است. بالاتر بودن محتوای اطلاعاتی سود خالص در هر یک از دو گروه به معنای آن است که سرمایه گذاران به منظور اخذ تصمیمات سرمایه گذاری خود اتکای بیشتری به اطلاعات منعکس در سود خالص می‌نمایند. در این راستا مدل ۵ در دو گروه شرکت‌های با گردش حسابرسی بالا و پایین آزمون کرده‌ایم که نتایج آن در نگاره شماره ۲ به شرح ذیل اراده گردیده است:

همانگونه که نگاره شماره ۲ نشان می دهد، بین بازده سهام و سود خالص رابطه معناداری وجود دارد. این درحالی است که نتایج بیانگر قدرت توضیح دهندگی بالاتر مدل ۵در شرکت های با تعداد گردش حسابرس بالا نسبت به شرکتهای با تعداد گردش حسابرس پایین می باشد. بنابراین، از منظر سرمایه گذاران، افزایش تعداد گردش حسابرس منجر به بهبود استقلال او و بالطبع اتکای بیشتر به سود خالص ارائه شده می گردد که این امر افزایش محتوای اطلاعاتی سود خالص را به همراه دارد.

نتیجه گیری

رسوایی های اخیر شرکت های بزرگی چون انرون، توجه اکثر منتقدین را به عوامل این رسوایی ها جلب نمود که در این بین استقلال حسابرس به عنوان یکی از عوامل عمده تأثیرگذار بر کیفیت حسابرسی از جایگاه ویژه ای برخوردار بود. از آن جا که یکی از دلایل خدشه دار شدن استقلال حسابرس، وجود رابطه طولانی مدت بین او و صاحبکار است، لذا در این تحقیق به دنبال بررسی رابطه طول دوره همکاری حسابرس با صاحبکار بعنوان یکی از عوامل موثر بر استقلال او و کیفیت اطلاعات حسابداری بودیم. بدین منظور از متغیر تعداد گردش حسابرس به عنوان شاخص سنجش طول دوره همکاری حسابرس، از متغیر محافظه کاری به عنوان شاخص سنجش کیفیت اطلاعات حسابداری (استقلال واقعی) و از محتوای اطلاعاتی سود خالص به عنوان شاخص استقلال ظاهری حسابرس استفاده نمودیم. در صورتی که افزایش طول دوره همکاری حسابرس استقلال او را خدشه دار کند، آن گاه کیفیت اطلاعات حسابداری و بالطبع محافظه کاری به کار گرفته شده در صورت های مالی کاهش می یابد. سه مدل با سو ۱۹۹۷، بال و شیواکومار ۲۰۰۵ و بال و کوتاری و رابین ۲۰۰۱، جهت تعیین سطح محافظه کاری به کار گرفته شده در شرکت ها مورد استفاده قرار گرفتند. آزمون مدلها حکایت از آن داشت که با کاهش طول دوره همکاری، کیفیت اطلاعات حسابداری، محافظه کاری، افزایش نمی یابد. بعبارت دیگر، نتایج پژوهش بیانگر آن است که افزایش طول دوره همکاری حسابرس با صاحبکار بعنوان یکی از عوامل خدشه دار نمودن استقلال واقعی حسابرس، مطرح نمی باشد. این درحالی است که آزمون مدل استون و هریس در سطح دو گروه شرکتهای با گردش حسابرس بالا و پایین نشان دهنده بیشتر بودن محتوای اطلاعاتی سود خالص در شرکت های با گردش حسابرس بالا بود. به بیان دیگر استفاده کنندگان از اطلاعات

حسابداری بر آن عقیده‌اند که کاهش طول دوره همکاری حسابرس با صاحبکار، استقلال حسابرس و بالطبع قابلیت اتکای سود خالص را افزایش می‌دهد. با توجه به اینکه بورس اوراق بهادار تهران حامی سرمایه‌گذاران فعال در بازار سرمایه است، بنابراین مفاد تبصره ۲ ماده ۱۰ دستورالعمل مؤسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار مبنی بر محدود کردن طول دوره همکاری مؤسسات حسابرسی با صاحبکار با خدشه‌دار نمودن استقلال واقعی مؤسسات حسابرسی، استقلال ظاهری آن‌ها را بهبود می‌بخشد.

محدودیت های پژوهش

محدودیت‌ها و مشکلاتی که در اجرای پژوهش حاضر وجود داشته و باید حین تفسیر یافته های پژوهش و تعمیم آن مدنظر قرار گیرند، به شرح زیر می باشد: [۳]

- با توجه به این که نمونه پژوهش از بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انتخاب شده است و شرکت‌های نمونه از لحاظ اندازه، صنعت، ساختار مالکیت و نوع محصولات لزوماً معرف تمام واحدهای اقتصادی فعال در کشور نمی باشند، بنابراین تعمیم یافته‌ها باید با احتیاط انجام گیرد.
- به منظور تهیه داده‌های مورد بررسی در مدل‌های پژوهش بر داده‌های موجود در نرم افزار تدبیر پرداز اتکا شد.

پیشنادهایی برای تحقیقات آتی

به منظور انجام پژوهش‌های آتی در ارتباط با این پژوهش، موضوعات زیر پیشنهاد می‌گردد:

- به دلیل ویژگی‌های مرتبط با فعالیت‌های هر صنعت، متغیر تجربه و بالطبع طول دوره همکاری با صاحبکار می‌تواند اثرات متفاوتی بر کیفیت اطلاعات حسابداری داشته باشد. لذا انتظار بر آن است در صورتی که موضوع این پژوهش در سطح صنایع مختلف مورد بررسی قرار گیرد، نتایج متفاوتی حاصل آید.

- با توجه به اینکه اندازه مؤسسه حسابرسی می تواند بر استقلال حسابرس و در نتیجه بر کیفیت حسابرسی اثرگذار باشد، لذا انتظار بر آن است که در نظر گرفتن این عامل منجر به حصول نتایج متفاوتی گردد.
- به منظور آزمون محافظه کاری می توان از مدل های دیگری مانند معیار ارقام تعهدی گیولی و هاین، معیار MTB استویر و معیار خالص دارایی های بیور و رایان استفاده نمود. بدین ترتیب می توان به میزان بیشتری بر محدودیت های مدل های استفاده شده در این پژوهش فائق آمد. [۱۰]

منابع :

۱. دستورالعمل مؤسسات حسابرسی معتمد، قوانین و مقررات بازار اوراق بهادار، "سازمان بورس و اوراق بهادار".
۲. حساس یگانه یحیی، "فلسفه حسابرسی"، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴
۳. مهرانی کاوه، حلاج محمد، حسنی عباس. "بررسی محافظه کاری در سود حسابداری و رابطه آن با ارقام تعهدی در بورس اوراق بهادار تهران"، تحقیقات حسابداری و حسابرسی ۳: ۱۳۸۸، ص ۸۸-۱۰۷

4. Ball.R & L.shivakumar(2006),"the role of accruals in asymmetrically timely gain and loss recognition",journal of accounting research,vol44,pp 42-207
5. Ball.R & L.shivakumar(2005),"earnings quality in uk private firms: comparative loss recognition timeliness " , journal of accounting & economics,vol 39,pp 83-128

6. Ball,R,Kothari S.P & Robin , (2000),"the effect of international institutional factors on properties of accounting earnings ", journal of accounting & economics , vol29,pp1-51
7. Basu,S.(1997),"The conservatism principle and the asymmetric timeliness of earnings" ,Journal of Accounting and Economics,24,3-37.
8. Easton,P.D.,&Harris,T.S.(1991),"Earnings as an explanatory variable for returns " , Journal of Accounting Research,29,19-36.
9. Easton,P.D.(1999),"Security returns and the value relevance of accounting data " ,Accounting Horizons ,13,399-412
10. Givoly,D.,Hayn,C.,&Natarayan,A.(2006), "Measuring reporting conservatism " ,The Accounting Review ,82, 65-106.
11. Hendriksen,eldon.S and van
breda,Michael.F,(1992),"accounting theory",mac grow hill
12. Kothari,S.P.(2001),"Capital markets research in accounting " ,Journal of Accounting and Economics,31,105-231.
13. Ross L.watts (2002) ," Conservatism in accounting" , online:
<http://papers.ssrn.com>
14. Ruddock C, Taylor & Taylor, (2006), " Nonaudit Services and Earnings Conservatism:Is Auditor Independence Impaired?", Contemporary Accounting Research Vol. 23 No. 3, pp. 701-46.
15. Zimmerman J,wattsR,(1986) , "positive accounting theory " ,prentice -hall, inc

16. Tony van zijl,keitha dunstan,khairul anuar kamarudin , "audit tenure,non audit service and earning conservatism", 2010,available on www.ssrn.com